

۱۵۲ روز پس از نشست شورای همبستگی اپوزیسیون سرنوشت آنها چه شد

براندازهای فصلی!



هیوا صادقی انجامید. دو نفر دیگر نیز به‌شدت زخمی شده و به بیمارستان منتقل شدند. این درگیری مسلحانه چندین ساعت ادامه داشت و نهایتاً با دخالت نیروهای امنیتی اتحادیه میهنی کردستان پایان گرفت. این درگیری مسلحانه در پی شکست پروسه سیاسی ادغام و اتحاد دو حزب پس از آن به وقوع پیوست که گزارش‌های غیررسمی در شبکه‌های اجتماعی حکایت از بازداشت عمر ایلخانی‌زاده، رهبر حزب کومله زحمتکشان کردستان در پایگاه حزب داشت. بعد از اعلام قطع همکاری دو حزب، حزب کومله کردستان ایران با رجوع به منزل عمر ایلخانی‌زاده از او خواستند تا کمپ محل استقرار نیروهای حزب کومله زحمتکشان کردستان را ترک کند. حزب کومله زحمتکشان کردستان با انتشار بیانیه‌ای حزب کومله کردستان ایران را متهم کرد که به کمپ آنها حمله کرده است. این حزب همچنین اعلام کرد که تلاش‌های آنها برای اتحاد دوباره دو حزب کومله به شکست انجامید و به همکاری‌های خود با حزب کومله کردستان ایران پایان می‌دهند. اعلام پایان همکاری چندماهه بین این دو حزب درحالی صورت گرفت که آنها در میانه آشوب‌های اخیر با هدف ضربه زدن به ایران پس از نزدیک به ۱۵ سال باهم ادغام شدند و در چهارچوب حزب کومله کردستان ایران به فعالیت خود ادامه دادند. علاوه‌بر این، گروه دیگری از اعضای کومله که به جریان نزدیک به‌رضا کمبی، از اعضای رهبری حزب کومله هستند اعلام کرده که در اعتراض به «سیاست تسلیم، ماشات عبدالله مهتدی با پهلوی و فاشیسم» از حزب جدا خواهد شد. درگیری مسلحانه میان دو جریان حزب کومله درحالی رخ می‌دهد که عبدالله آذریار، عضو کمیته رهبری حزب کومله کردستان ایران با اشاره به توافق امنیتی اخیر بین تهران و بغداد، گفته بود که فشارها بر احزاب کرد مخالف جمهوری اسلامی «جدی است» و تردد و فعالیت رسانه‌ای و گردهمایی‌های آنها محدود شده است. او همچنین از تلاش‌های حکومت عراق و اقلیم کردستان عراق برای خلع سلاح احزاب کرد ایرانی در اقلیم کردستان عراق گفته بود.

رضاپهلوی؛ دوره‌گرد بیکار

رضا پهلوی در روزهای اوج آشوب‌های سال گذشته کاندید شماره یک برخی از چهره‌های اپوزیسیون برای رهبری آنچه انقلاب و جنبش می‌خواندند به شمار می‌رفت. در دی‌ماه سال گذشته نیز بعد از مصاحبه‌اش با شبکه منوتو، طرفداران او برای جا انداختن او به‌عنوان رهبر اپوزیسیون کارزاری به نام «من وکالت می‌دهم» راه انداختند؛ بلکه بتوانند در رقابت تنگاتنگ برای رهبری اپوزیسیون که هر کسی که از راه می‌رسید مدعی آن می‌شد از رقبای خود پیش بیفتند. اما این کارزار علی‌رغم تلاش گسترده طرفداران پهلوی و بسیاری از سلبریتی‌هایی که خارج از ایران به سر می‌بردند، با شکست مواجه شد و پهلوی باز هم نتوانست به رویای چندین‌ساله خود که رهبری اپوزیسیون بود برسد. اما او بعد از شکست کارزار وکالت به تلاش‌های خود ادامه داد. او هم‌زمان با حضور در کنار برخی چهره‌های دیگر ازجمله مسیح علی‌نژاد و حامد اسماعیلیون در نشست مشترک اپوزیسیون و ایراد صحبت‌های مکرر از لزوم وحدت و همبستگی همه افراد علیه جمهوری اسلامی تلاش داشت با فعالیت‌های انفرادی گسترده‌اش وجهه خود را به‌عنوان شاخص‌ترین چهره اپوزیسیون حفظ کند. یکی از برجسته‌ترین اقدامات او سفر به اسرائیل برای جذب هرچه بیشتر حمایت‌دولت این کشور از خودش بود. او همچنین تلاش می‌کرد تا در این سفر خود را نماینده مردم ایران جا بزند. درحالی‌که همین سفر او نیز با انتقادات زیادی حتی از طرف اپوزیسیون همراه شد. جماعتی که بارها در روند اتحاد خود شکست‌خورده بودند باز هم بکه‌تازگی پهلوی را تاب نیاوردند و به دلایل مختلف ازجمله استقبال نامناسب دولت اسرائیل از او، تکیه

زهرا طیبی - علی فلاحی
گروه سیاست

بعد از آنکه ترکیب نامتجانسی از اپوزیسیون در دانشگاه جورج تاون گرد آمدند تا مجموعه‌ای از عبارت وصله‌پینه‌ای را به‌عنوان منشور همبستگی منتشر کنند بسیاری این اتحاد را مورد انتقاد قرار داده و آن را گسستنی توصیف می‌کردند. توصیفی که خیلی زود و به فاصله چند ماه به واقعیت پیوست. افرادی که برای نشان دادن همکاری کنار هم نشسته بودند به مرور نه‌تنها سالان نمایش همبستگی را ترک کردند بلکه نثار خود را به کف خیابان برده ضمن درگیری با یکدیگر صحنه‌های زنده‌ای از تعرض را نیز به نمایش گذاشته‌اند. بافروکش کردن موج التهاب‌آفرینی اپوزیسیون بدن نیست مروری بر وضعیت فعلی آنان داشته باشیم. وضعیتی عبرت‌آموزی که آن را برای ایران آرزوی می‌کردند اما خود به‌ضحک‌ترین وجهه دچار آن شدند.

بی‌جاگردگان و بی‌جاشدگان

سازمان مجاهدین خلق را شاید بتوان مشکل‌ترین و قدیمی‌ترین گروه اپوزیسیون جمهوری اسلامی دانست. این سازمان که سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب تشکیل شده بود در همان روزهای اولی که مبارزه با جمهوری اسلامی را شروع کرد دارای یک تشکیلات منسجم و سازمان‌یافته در سراسر کشور بود. در همان دهه ۶۰ این سازمان با ترور شخصیت‌های بزرگی مانند شهیدان بهشتی، رجایی و باهنر و عملیات‌های درون‌شهری گسترده و خشن علیه مردم و نیروهای امنیتی ضربات بزرگی را به کشور وارد کرد. گرچه اقدامات این گروهک تروریستی در دهه ۶۰ راه به جایی نبرد اما مجاهدین با حفظ نسخه ضعیف‌شده همان تشکیلات خود در داخل کشور توانسته‌اند مزیت بزرگی بین سایر نیروهای اپوزیسیون برای خود ایجاد کنند. همچنین مجاهدین در طول سال‌های گذشته با متمرکز کردن نیروهای خود بر فضای مجازی و فعالیت سایبری توانسته بود با ایجاد و فعال نگه‌داشتن اکانت‌های سایبری پرشمار مزیت دیگری نیز برای خود ایجاد کند. در آشوب‌های ۱۴۰۱ که «انتقاشات خیابانی» و «فضای مجازی» دو پارامتر بسیار مهم و اثرگذار در آن بودند طبیعتاً مجاهدین نقش ویژه‌ای برای خود قائل بود. گرچه از همان ابتدا حملات تندی توسط طیف‌های مختلف اپوزیسیون از جمله طرفداران رضا پهلوی علیه این گروه صورت گرفت اما همه به‌خوبی می‌دانستند سامان‌دهی آشوب‌های خیابانی و ترویج گسترده اعتراضات در فضای مجازی بدون استفاده از تشکیلات این سازمان ممکن نیست. تنها سمپات‌های این سازمان بودند که با بهره بردن از تجربیات مجاهدین در دهه ۶۰ می‌توانستند آشوب‌های خیابانی را سازمان‌دهی کنند. به همین دلیل گرچه اپوزیسیون به علت کارنامه به‌شدت سیاه این سازمان نمی‌توانست همکاری مستقیم و غیرمستقیم خود با این سازمان را علنی کند اما درگیری‌اش با این سازمان فراتر از لفاظی‌ها و هشتگ‌بازی‌های توپتری نمی‌رفت. این سازمان همچنین از قدرتمندترین لابی‌ها با سیاستمداران غربی در بین اپوزیسیون بهره‌مند بود. فرقه رجوی سعی داشت تا با استفاده از همین طریقت هم پروژه‌هایی از جمله تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران توسط اتحادیه اروپا را پیش ببرد و هم با کسب حمایت این سیاستمداران از رقابت رهبری اپوزیسیون و همچنین دریافت کمک‌های مالی عقب‌نماند. گرچه اقدامات سال گذشته مجاهدین فصل جدیدی به کتاب قطور ۴۴ سال ناکامی‌شان در مبارزه با جمهوری اسلامی اضافه کرد اما این سازمان حداقل توانسته بود با وجود حملات گسترده از طرف پهلوی چی‌ها جایگاه سابق خود را حفظ کند اما یورش گسترده ماه گذشته پلیس آلبانی به کسب اشرف و ضبط بسیاری از وسایل و تجهیزات این سازمان ضربه بسیار مهلکی به این سازمان وارد کرده؛ به‌طوری که هنوز هیچ کنش جدی‌ای از سازمان و مریم رجوی بعد از این اتفاق دیده نشده است. باید دید که منافقین می‌توانند بعد از ضربه سنگینی که دریافت کرده‌اند به جایگاه سابق خود در میان اپوزیسیون برگردند یا عملاً سال ۱۴۰۲ را باید سال پایان مجاهدین دانست.

عبدالله مهتدی و چندین اتحاد فروپاشیده

عبدالله مهتدی که قصد داشت با سوءاستفاده از التهاپات سال گذشته پروژه تجزیه ایران را پیش ببرد نه‌تنها در راستای این هدف موفقیتی کسب نکرده بلکه بارها شاهد تجزیه‌انثلاف‌های ضدایرانی بوده که در آن حضور داشته است. بعد از خروج مهتدی از پیمان همبستگی اپوزیسیون، رهبر حزب کومله کردستان با هم حزبی‌های خود نیز دچار درگیری شد تا نشان دهد حتی به اندازه حفظ انسجام یک حزب هم توانایی ندارد. درگیری بین دو حزب کومله زحمتکشان کردستان به رهبری عمر ایلخانی‌زاده و کومله انقلابی زحمتکشان کردستان ایران به رهبری عبدالله مهتدی اول تیرماه آغاز شده و این درگیری میان این دو حزب تروریستی به‌شدت شده و نفر از نیروهای حزب کومله زحمتکشان کردستان به سامان‌های ابراهیمی و

سیاست

مقامات اروپایی که در دام محاسبات غلط آنها افتاده بودند، مشخصاً و علناً می‌گفتند وقتی خیابان‌های ایران آرام شده چرا ما نباید پای میز مذاکره بنشینیم. دعوای براندازها هم دوباره بالا گرفت و به روشگری علیه هم پرداختند. امیرعباس فخرآور یکی از همین افراد بود که درباره مسیح علی‌نژاد دست به روشنگری زد و گفت: «مسیح رفته ۵۰۰ میلیون دلار درخواست کرده برای زندانی که نرفته، برای گریه‌های برادرش که او هم هیچ‌وقت زندان نبوده، تا از پول‌های بلوکه‌شده مردم به او داده شود.» فخرآور البته تنها کسی نبود که از کاسی ۵۰۰ میلیون دلاری مسیح علی‌نژاد پرده برداشت، هومن فخمی، وکیل دعای‌و دادگاه‌های آمریکا هم پیش از این گفته بود:

«علی‌نژاد به دروغ ادعا کرده بود که برادر من در زندان است و مبلغی که درخواست کرده (۵۰۰میلیون دلار)، براساس آن حکم ۸ساله که به برادرش داده بودند، است. خب این دروغ نبوده. اما ماجرای شکایت چه بود؟ علی‌نژاد براساس این قانون آمریکا که افراد می‌توانند علیه کشورهایی که در آمریکا به‌عنوان حامی تروریسم شناخته شده‌اند، شکایت و از اموال صادرشده آن کشور توسط آمریکا غرامت دریافت کنند، به دادگاهی در بروکلین نیویورک در تاریخ ۲۵سامبر (۱۱آذر) سال ۲۰۱۹ علیه جمهوری اسلامی طرح شکایت کرد و علت آن را هم صدمات شخصی و دیگر آسیب‌های ناشی از بازداشت برادرش علیرضا علی‌نژادقمی و فشارهای وارده بر مادرش عنوان کرده و درخواست ۵۰۰ میلیون دلار غرامت کرده بود. علی‌نژاد البته خودش ادعا می‌کرد تقاضای پول نکرده و دادگاه خودش تصمیم گرفته که چقدر به‌وی غرامت بپردازد. اما متن منتشرشده شکوایه علی‌نژاد نشان می‌دهد که او مشخصاً مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار را ذکر کرده است. البته درخواست غرامت ۵۰۰ میلیون دلاری تنها یک بخش از چندین درخواست غرامتی است که او از دادگاه داشته است. حال‌در تاریخ ۶ جولای ۲۰۲۳ یعنی ۱۵ تیر امسال، براساس رای دادگاه قرار است مبلغ ۳ میلیون دلار از محل دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در آمریکا به‌خاطر متحمل شدن آسیب‌های روحی به او پرداخت شود. موضوعی که البته پیش از اینکه مقامات ایران به آن واکنش نشان بدهند، با واکنش ایرانیان خارج‌نشین همراه شد. بعد از انتقادات زیادی که به علی‌نژاد وارد شد، گفت غرامتش را نمی‌گیرد و این کار را برای جلب توجه دنیا نسبت به اقدامات حکومت انجام داده است. واکنشی که البته باعث شد براندازها دوباره به او حمله کنند و بگویند اگر علی‌نژاد قصد نداشت غرامت را بگیرد مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار را درخواست نمی‌کرد. هومن فخمی، وکیل دعای‌و دادگاه‌های آمریکا در این باره گفت: «اطلاعاتی که علی‌نژاد در اختیار قاضی گذاشته صحیح نیست. زمانی که در پرداخت غرامت نسبت به موضوعی که او ادعا می‌کند من در زندان است و باید روزی ۱۰ هزار دلار به‌عنوان غرامت به من بدهید. آن روز برادرش آزاد شده بود... مردم را بازی دادن هم حدی دارد؛ او علی‌نژاد فقط به دنبال محکوم کردن ایران بود به دادگاه می‌گفت من فقط یک دلار می‌خواهم!» لازم به توضیح این نکته نیست که هر مقدار پول بلوکه‌شده به نام ایران در هر کجای جهان، متعلق به حکومت نیست، بلکه اموال مردم ایران است. حال این اقدام مسیح علی‌نژاد علی‌نژاد، یکی از همین چهره‌های برانداز خارج‌نشین بود که در روزهای اوج ناآرامی پاییز سال گذشته از تحقق انقلاب به دست اپوزیسیون، صحبت می‌کرد و در تکاپوی گفت‌وگو با مقامات کشورهای اروپایی برای مطرح کردن خود به‌عنوان رهبر اپوزیسیون بود. در این حین نیز تصاویر دیدار با مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه را منتشر می‌کرد و شعار می‌داد که صدای مردم ایران را به جهان می‌رساند. در میان تمام این ژست‌های مبارزه برای مردم اما جدا شدن اعضای منشور همبستگی و آرام شدن خیابان‌های ایران تقریباً همه حساب‌وکتاب‌های اپوزیسیون خارج‌نشین را به هم ریخت.

کاسی مسیح علی‌نژاد از تحریم ایران

آتش آشوب که خوابید، بعد از برهم خوردن نمایش چندماهه اپوزیسیون و نابود شدن منشور همبستگی، پشت‌پرده خیلی از اقدامات و عملکردهای براندازها عیان شد. مسیح علی‌نژاد، یکی از همین چهره‌های برانداز خارج‌نشین بود که در روزهای اوج ناآرامی پاییز سال گذشته از تحقق انقلاب به دست اپوزیسیون، صحبت می‌کرد و در تکاپوی گفت‌وگو با مقامات کشورهای اروپایی برای مطرح کردن خود به‌عنوان رهبر اپوزیسیون بود. در این حین نیز تصاویر دیدار با مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه را منتشر می‌کرد و شعار می‌داد که صدای مردم ایران را به جهان می‌رساند. در میان تمام این ژست‌های مبارزه برای مردم اما جدا شدن اعضای منشور همبستگی و آرام شدن خیابان‌های ایران تقریباً همه حساب‌وکتاب‌های اپوزیسیون خارج‌نشین را به هم ریخت.

ناآرامی‌های خیابان، پلی بسازد برای کسب سود و جایگاه اقتصادی بهتر در آن طرف مرزها.

تی‌شرت‌فروشی حامد اسماعیلیون افتتاح شد

بعد از اینکه اسماعیلیون، مسئولیت سخنگویی و پیگیری پرونده هوایمای اوکراینی را به عهده گرفت برخی از خانواده‌های قربانیان این حادثه نسبت به دنبال نکردن این پرونده و مشغول شدن اسماعیلیون به فعالیت‌های سیاسی، اعتراضاتی را مطرح می‌کردند. هم‌زمان با ناآرام شدن خیابان‌های ایران و ظاهر شدن اسماعیلیون به‌عنوان یک چهره برانداز مخالف حکومت و حضورش به‌عنوان عضوی از منشور همبستگی، اعتراضات نسبت به اقدامات سیاسی او بالا گرفت. در این میان اما برخی ادعا می‌کردند اسماعیلیون از بودجه‌ای که برای پیگیری پرونده جانباختگان اوکراینی در اختیارش قرار گرفته‌برای انجام فعالیت‌های سیاسی استفاده کرده است. همسر یکی از جان‌باختگان این حادثه نسبت به عملکرد اسماعیلیون گفته بود: «موضع‌گیری سیاسی انجمن و چهره‌های شاخصش، نه‌تنها به براندازی کمک نمی‌کند بلکه به دادخواهی خود پرواز و اعتماد مردم هم ضربه می‌زند.» اعتراض یکی از کارشناسان اینترنشنال به فعالیت‌های سیاسی اسماعیلیون، ازجمله نقد‌هایی بود که به او وارد شده بود: «آیا انجمن طبق اساسنامه مجاز به فعالیت سیاسی، دادن فراخوان و هزینه کردن از منابعی که بابت پیگیری مجرای هوایما اختصاص داده شده دارد؟ اسماعیلیون چنددر وظیفه اصلی‌اش درباره ماجرای هوایما را انجام داده؟» مجموع این اعتراض‌ها و واکنش‌های منفی، سبب شد اسماعیلیون در ۱۸ اسفند سال گذشته از دبیری و سخنگویی انجمن جان‌باختگان هوایمای اوکراینی استعفا بدهد. او البته دلیل استعفایش را حضور فعالانه‌تر در جنبش زن، زندگی، آزادی عنوان کرد. اسماعیلیون بعد از خروج از منشور همبستگی به غیر از برگزاری چند تجمع و دعوا با سمپات‌های سایر چهره‌های اپوزیسیون، ظهور و بروز دیگری نداشت تا اینکه انتشار تصاویری از تی‌شرت، لباس، لیوان و دیگر وسایلی که نشانه‌هایی از تازادی هوایمای اوکراینی داشتند توسط اسماعیلیون به فروش گذاشته شده بود، حاشیه‌های زیادی به همراه آورد. عمده نقد‌هایی که بیشتر هم از جانب اپوزیسیون خارج‌نشین مطرح می‌شد این بود که اسماعیلیون در حال کاسی‌ی از خون همسر و فرزندانش است. آرام شدن خیابان‌های ایران بعد از پاییز سال گذشته و آشکار شدن این موضوع که وقایعی مثل براندازی یا انقلاب بیشتر شبیه به سرابی بودند که براندازهای خارج‌نشین آن را واقعی تصور می‌کردند، سبب شد این افراد به سمت کاسی‌ی از طریق نمادهای انقلاب خودخوانده‌شان حرکت کنند. اقدامی که چون با ادعاهای آنها مبنی بر اینکه دلسوز مردم ایران هستند و برای آزادی مبارزه می‌کنند مغایرتی در ۳۶۰ درجه‌ای دارد.

برادر شارلاتان لیللا

فوت‌بالیست دیروز و اپوزیسیون امروز که در روزهای ناآرامی پاییز سال گذشته هم‌راستا با دیگر چهره‌های ضدانقلاب به انتشار تصاویر جعلی و ایجاد جو منفی علیه ایران می‌پرداخت، این روزها با انتشار صحبت‌های خواهرش درباره او، ابعاد تازه‌تری از شخصیتش برملا شده است. برادر لیللا کریمی که در روزهای اوج ناآرامی ادعا می‌کرد که صدای مردم ایران را منعکس می‌کند و به‌خاطر موضوعی که گرفته، از طرق مختلف او و خانواده‌اش مورد تهدید قرار گرفته‌اند، پشت‌تاقی که برای خود ساخته بود پنهان ماند و گفت من مهم نیستم و همچنان نگران هموطنانم هستم. با آرام شدن شرایط اما نقاب وطن‌دوستی فوتبالیست جادوگر خیلی زود از چهره‌اش کنار رفت و معلوم شد چهره‌ای که ادعا می‌کرد به دنبال آزادی و عدالت برای مردم ایران است، قوه قضائیه خیر کلاهبرداری از او نزدیک‌ترین عزیزانش را منتشر کرد. لیللا کریمی در شرح ماجرا می‌گوید: «اولین بار که دسته‌چک گرفتم به توصیه برادرم آقای کریمی برای خرید تیم سپیدرود بود. به من گفت که برو بانک و درخواست دسته‌چک بده، منم چون برادرم بود فکر نمی‌کردم این دسته‌چک گرفتن به ضررم تمام بشود. الان فهمیدم روزی که به من گفت دسته‌چک بگیر می‌دانسته که قراره این بلا را سر من بیاورد. دسته‌چک را به برادرم دادم و برای خرید سپیدرود و مخارج و پول بازیکن‌ها از این دسته‌چک استفاده می‌کرد، تا زمانی که سپیدرود سقوط کرد و چک‌ها یکی یکی برگشت خوردند. از سال ۹۷ درگیر برگشت خوردن چک‌ها شدم... من ۱۷ ماه است که در زندانم.» خواهر کریمی البته اشاره ای‌نکند برادرش با اقداماتی که انجام می‌داد، قصد داشت زودتر ویزی آمریکا را بگیرد که توانست یک‌ماهه این کار را بکند. اینکه انگیزه لژنویز سابق فوتبال از اقداماتی که انجام داده تنها برای این بود که ویزای آمریکا را بگیرد، مشخص کرد که او نیز مانند دیگر شخصیت‌های برانداز خارج‌نشین که شعار آزادی برای مردم سر می‌دادند، تنها به فکر گرفتن ماهی از آب کُل آورد ناآرامی‌های پاییز سال گذشته بود و مشخص شد برای رسیدن به منافع شخصی خودش، از انتشار دروغ، همراهی با تجزیه‌طلب‌ها و سینه‌چاک کردن برای تروریست‌ها ایایی ن‌دارد.